

حاجی میرزا محمود شیخ الاسلام و فرمان شیخ الاسلامی وی

در وسط بازار کفش دوزان تبریز که چند سال است آن بازار را خیابان دارائی قطع کرده و تا میدان معروف صاحب الامر هم امتداد یافته است مسجدی وجود دارد بنام مسجد شیخ الاسلام که از مساجد دایر شهر بشمار میآید و ظهرها و عصرها در آنجا نماز جماعت برپا میشود، این شیخ الاسلام که بود و در کدام عصر میزیست و پایة معلومات وی در چه حدودی بوده؟ تصور میروند مطالبی که ذیلامندرج میگردد جواب گوی آن پرسشها باشد. بلاشبیه مسجد مزبور از آثار عالم زوفنون، فقیه کامل و مسلم، آیه الله مرحوم حاجی میرزا محمود شیخ الاسلام طباطبائی است که بسال ۱۳۱۰ هجری قمری پس از فراغت از اعمال حج وفات یافته و در همان جا هم مدفون گردیده است.

صاحب ترجمه که از اجله شاگردان شیخ مرتضی انصاری محسوب میشود فرزند مرحوم حاجی میرزا علی اصغر شیخ الاسلام است که اخبار و حوادث زندگانی این شخص اخیر را مرحوم نادر میرزا در تاریخ دارالسلطنه تبریز نقل کرده و وی پس از استخلاص از دست جور و بیمهری میرزا تقی خان امیر کبیر و پس معاودت بتبریز بسال ۱۲۷۸ بعد از یکصد و پنج سال عمر وفات یافته و جسدش را در ارض نجف بخاک سپرده اند.

میرزا علی اصغر شیخ الاسلام که در عصر خود بسیار محترم و نافذ الکلمه و در تمام

۱- این تاریخ فوت مستفاد است از حقائق الاخبار میرزا جعفر خور موجی ص ۲۸۸ چاپ خسرو خدیو جم و اضافه میشود که تاریخ خور موجی در باب سلسله قاجاریه و وقایع و حوادث مهم آن سلسله از منابع و مأخذ مهم و معتبر بشمار میآید.

بلاد شیعه شهرت فراوانی داشت با شیخ انصاری نیز ارتباط و مکاتبه داشته و نگارنده دو فقره از مراسلات شیخ را که بزبان عربی و با کمال ادب و توقیر و تجلیل خطاب بشیخ الاسلام فرستاده است در کتابخانه خصوصی مرحوم مغفور حاجی میرزا علی اصغر آقای شیخ الاسلام اعلی‌اله مقامه که در آبانماه ۱۳۳۷ شمسی از دنیا رحلت کرده و نواده شیخ الاسلام بزرگ هم بوده، دیده‌است و موضوع آن نامه‌ها تاجائی که بخاطر دارم احوال‌پرسی از شیخ الاسلام و توصیه یکی از علما است که متأسفانه نام آن عالم از نظر م فوت گردیده و تعیین حقیقی نام وی عجاله مقدر نیست ظاهراً بر اثر همین ارتباط و اتصال و مودت و محبت بوده است که شیخ انصاری در حق حاجی میرزا محمود شیخ الاسلام کمال عنایت و توجه را مبذول میداشته و در تأمین معاش و رعایت حال و حفظ احترام و مقام شاگرد خود از هیچ چیز دریغ نمیورزیده است من در این مورد از پیران طایفه خود داستانهائی شنیده‌ام که ذکر آنها را بوقت دیگر موکول می‌سازم باری صاحب ترجمه در علوم و فنون مختلفه از قبیل فقه و اصول و طب و ریاضی و لغت و شعر و ادب مهارت و استادی تمام داشته و مخصوصاً تسلط وی در رشته لغت و ادب از یک سلسله حواشی و اعتراضات که بر مجمع البحرین شیخ طریحی نوشته و حتی موارد غلط و اشتباه آن مؤلف را هم نشان داده است کلاماً مشهود می‌گردد.^۱

حاجی میرزا محمود که عده آثار و تألیفات او را مرحوم محمد علی مدرس خیابانی در کتاب نفیس ریحانه‌الادب^۲ بدست داده است در نشر هم شیوه مخصوصی دارد و ما برای اینکه خوانندگان این نشریه از سبک نویسندگی و استحکام الفاظ و معانی و عبارات آن بخوبی مستحضر گردند نامهای را که خطاب بیکی از افراد طایفه خود نوشته و باصراحت کامل او را تنبیه و تأدیب کرده است نقلاً از ریحانه‌الادب در اینجا می‌آوریم و داوری و حکمیت در این مورد را بخود قارئین ارجمند محول می‌سازیم :

۱- این حواشی ذیقیمت که متأسفانه تا امروز انتشار نیافته است از قرار اطلاع در تصرف اعیان مرحوم حجة الاسلام آقای حاجی سید محمد مولانا است .

۲- جلد دوم ص ۳۷۹ .

«فرزند بتحصيل ادب پیوندد، تدین درهمین، فرمودهٔ خالق چنین، هدایت خلایق براین، تشیخ صبی موجب حرمان حرمت و باعث ندامت است، این چه عنوانی است که نوشته؟ و چه ریسمان مناعتی است که رشته؟ من بیچاره که مهاجر گشتم گمان داشتم که رستم، غافل از اینکه طوق ابتلای دیگری بگردن بستم، بمرقد شریف امیر المؤمنین (ع) قسم است که مرا بکلی از انتساب دور و از ضمائر بالمره مهجورم سازند کأن لست شیئاً مذکوراً حتی اقول فزت برب الکعبه»^۱.

میرزا محمود شیخ الاسلام با اینکه جامعیت و علمیت وی مورد تصدیق عموم اهل علم و ارباب فضل بوده است معذک از زحمات و معلومات و مکتسبات خود بهره‌مند نگردیده و همشهریه‌های وی رغبت و استقبالی که شایسته چنان عالمی بوده است از خود نشان نداده‌اند و بطوریکه در صدر این مقاله اشارتی رفت در موقع تشرف بکعبه و در حین اشتغال بانجام دادن مناسک حج دارفانی را وداع فرموده است. از این شخص عالی درجات فرزندی مانده بود بنام میرزا عبدالامیر شیخ الاسلام که پس از پدر در مسجد سابق‌الذکر بامامت پرداخته و در نهضت مشروطه هم دست اندرکار شده و فعالیت کرده و سرانجام در ۱۳۳۶ هجری قمری وفات یافته است و همین میرزا عبدالامیر است که در باب گرفتاری و حبس خود در انجمن اسلامی رسالهٔ مختصری تألیف کرده است موسوم به (قضیه فی الواقعه) که در حیات خود وی بطبع رسیده و منتشر گردیده است و نگارنده آن رساله را در کتابخانه نفیس دانشمند محترم جناب آقای میرزا جعفر سلطان‌القرائی دامت افاضاته دیده و مطالعه هم کرده است.

میرزا محمود شیخ الاسلام پس از فوت پدرش بمنصب جلیل‌الشیخ الاسلامی آذربایجان منصوب گشته و فرمانی که در زیر بچاپ و انتشار آن باقید بعضی توضیحات مبادرت میشود

۱ - یکی از معمرین طایفه که فعلاً در قید حیات نیست نقل کرد که صاحب ترجمه این کاغذ را خطاب به میرزا ابوالقاسم شیخ الاسلام ملقب به (علامه) نوشته و این علامه تا جایی که بخاطر دارم بسال ۱۳۲۳ شمسی در نجف از دنیا رفت.

فرمان و حکم شیخ الاسلامی او است که بسال ۱۲۸۲ هجری از طرف سلطان وقت ناصرالدین شاه صادر گردیده و اصل این سند تاریخی خوشبختانه در موزه تبریز محفوظ است پیش از آنکه متن فرمان را بیاورم در اینجا وظیفه خود میدانم که از فرصت استفاده کنم و مراتب تشکر و امتنان خود را بحضور جناب آقای سید جمال ترابی طباطبائی رئیس موزه که این بنده را از وجود فرمان مذکور مسبوق داشتند تقدیم نمایم و موفقیت ایشانرا در خدمت بفرهنگ و هنر تبریز و نشر اسناد و وثائق تاریخی با خلوص نیت از درگاه قادر توانا مسألت دارم .

«سپاس و ستایش خداوندی را سزا است که نوع بشر را در عوالم معالِم عبودیت بدارائی مقام محمود اطاعت بر کافه موجودات رتبه برتری ارزانی داشته و با رأت طریق اطاعت پیغمبران شرایع نشان بر گماشته و اشاعت شرایع دینیه را باعلاء اعلام سلاطین نصفت آئین منوط نموده و مفاتیح ابواب سلطنت و شهریاری را در قبضه اقتدار ما مفوض فرموده و از آنجا که ذات همایون ما بتأییدات سبحانیه لاتنهاهی فرقان اخیار و اشارات و مفاد اعطی کل ذی حق حقه^۱ و لئن شکرتم لازیدنکم^۲ در خلافت عظمای ما مشهود انظار اولوالابصار و بحکم و لقد اخترناهم علی علم علی العالمین^۳ ملازوم همت فلك رفعت ملوکانه ما افتاده که در تسدید سنده^۴ شریعت غرّا و اعلاى لوائى طریقت عظمی و احکام احکام ملت بیضا^۵ و تنظیم قواعد دین مبین و تقریر قوانین آیین متین همت ملوکانه مصروف داریم و از سالکان طریق صداقت و دولتخواهی آنانکه جوهر ذاترا از اعراض اغراض نفسانیه مصفا دارند و در تکمیل مراسم علوم دینیه و نشر معارف سنن مصطفویه مزید اجتهاد خود را ظاهر آرند در استحکام اصول معارفشان انظار التفات و عین عنایت گماریم برهان

۱- محل این عبارت را با وجود مراجعه بکتاب ادب از قبیل مجمع الامثال و التمثیل تعالی پیدا نکردم .

۲- سوره ابراهیم آیه ۷ .

۳- سوره دخان آیه ۳۲ .

۴- جمع دادن و بمعنی خدمتکاران است .

۵- دین واضح و روشن .

قیاسات مقدمه و نتیجه صادقۀ مقدمات مرتبه دلیل حال خیریت مآل جناب افادت و افاضت مآب، حقایق و دقایق نصاب، حاوی الفروع والاصول، جامع المعقول والمنقول اجلّ- العلماء المحققین، اعظم الفقهاء المجتهدین الموفق بتوفیق الملك الودود آقامیرزا محمود است که بمفاد کلام معجز نظام فلو لانفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقوا فی الدین ویسندروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلمهم یحذرون^۱ عمری بارتقاء مدارج علمیه شرعیه مصروف داشته و در معارج عملیه قدسیه آراسته و در نشر مآثر^۲ دینیّه کمال اهتمام و اجتهادش معلوم رای معدلت بنیاد است و در خیرخواهی دین و دولت وارث مجاهدات پدر و اجداد و بمفاد کریمه (اصلح لی فی ذریعتی)^۳ و شریفه^۴ تقد آثرک الله علینا^۴ اولی والیق واصلاح بازماندگان غفران مآب حاجی میرزا علی اصغر شیخ الاسلام آذر بایجان است و بحکم قابلیت و استعداد حسبی و شایستگی نسبی او که از جانب پدر و اجداد مادری وراثت منصب شیخ الاسلامی دارد این منصب جلیل را در حق او ذوارث و ذواستحقاق ملحوظ است^۵ در نظر انور ما شایسته و سزاوار نموده در هذه السنه مسعوده او دئیل خجسته تحویل و مابعدھا جناب معزی الیه را بمنصب جلیل شیخ الاسلامی مملکت آذر بایجان عموماً و شهر تبریز خصوصاً منصوب و بدین لقب جمیل منسوب و لوازم این شغل نبیل را بعهده کفایت او مخصوص فرمودیم و بشمول این مکرمت بر مدارج رتبتش افزودیم و بشرح فرمان مهر لمعان اعلی عنوان مستمری و وظیفه مقرر^۶ در حق او برقرار نمودیم و كذلك و یحتییك ربك و ینم نعمته علیك^۷ مقرر آنکه مفتاح ابواب فتوح و مصباح مشکوٰة روح غصن دوحه^۸ خلافت ثمر شجره

۱- سوره توبه آیه ۱۲۳ .

۲- جمع مآثره بمعنی افتخارات و کارهای پسندیده .

۳- سوره احقاف آیه ۱۵ .

۴- سوره یوسف آیه ۹۱ .

۵- این جمله خالی از ابهام نیست و تصحیح آن برای نگارنده میسر نگردید مگر اینکه بعد از (را) لفظ (که) اضافه و جمله تا حدی از حالت ابهام خارج شود .

۶- نقد سبصد تومان و جنس بیست و دو خروار .

۷- سوره یوسف آیه ۶ . ۸- درخت عظیم الجثه .

سلطنت فرزند اسعد ارجمند بیهمال ولیعهد دولت بی زوال مظفرالدین میرزا صاحب اختیار مملکت آذربایجان قدغن نماید که عالی و ادانی اهالی آذربایجان جناب معزی الیه را در این منصب و مقام دانسته و عموم علما و اعیان و اشراف آن مملکت در لوازم توقیر و احترام او کوتاهی ننمایند و کارگذاران امور دیوانی آذربایجان مستمری و مقرری او را همه ساله غایب سازند المقرر عالیجهان رفیع جایگاهان مجدت و نجدت همراهان فخامت و مناعت اکتناهان مقرر بوالخاقان مستوفیان عظام و کتاب سعادت اکتساب شرح توقیع وقیع شهر یاری زیب دفاتر خلود و دوام نموده و در عهده شناسند حرر فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۲ .

- ۱- تاریخ ولیعهدی مظفرالدین شاه در سال ۱۲۷۹ بوده و مشارالیه در روز غدیر همراه با یحیی خان فرزند میرزا نبی خان امیر دیوان قزوینی وارد تبریز گشته است (حقائق الاخبار ص ۲۹۲) و اضافه میشود که پیشکار مظفرالدین شاه در اوایل کار ولیعهدی عزیزخان سردار بوده است که قبر این شخص فعلا در قبرستان سید حمزه باقی و معروفست به مقبره سردار .
- ۲- بمعنی نافذ و مؤثر و شاید در اصل رفیع بوده است .